

برآورد راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سال‌نمای ۱۳۸۹
چشم‌انداز ۱۳۹۰

روابط با همسایگان

مقدمه

ارتباط هر کشور با همسایگانش، می‌تواند نقطه آغاز روابط خارجی و بین‌المللی آن دولت تلقی گردد، و به تبع آن، روابط خوب با همسایگان، تقدم و اولویت بیشتری دارد. ایران در منطقه‌ای واقع شده است که کشورها و مرزهای مجاور آن، عمدتاً طی بازی‌های استعماری به وجود آمده‌اند، منطقه‌ای که به یک باره از الگوی امپراتوری / خلافت، به الگوی دولت-ملت و دولت ملی سوق داده شده است. شاید از این روست که همسایگان ایران اغلب روابط خوبی با دیگر همسایگان خویش نداشته‌اند.

دو حادثه را می‌توان در روابط ایران با همسایگانش و همین‌طور ارتقای قدرت منطقه‌ای ایران در دو دهه اخیر، نقطه عطف تلقی کرد: یکی سقوط اتحاد شوروی و جایگزینی آن با همسایگان کوچک‌تر و اغلب از لحاظ فرهنگی نزدیک‌تر به ایران و دومی، حادثه ۱۱ سپتامبر و به دنبال آن، استراتژی جنگ پیشدستانه آمریکا در عراق و افغانستان.

حادثه اول، اگرچه خیال ایران را از بابت همسایه ابرقدرت و دارای ایدئولوژی متضاد راحت کرد، اما در عوض عرصه جهانی را «تک‌قطبی» نمود و آمریکا را ابرقدرت یک‌تاز ساخت و با توجه به مخالفت پایدار و همیشگی ایران با آمریکا، روشن است که آمریکا از همه ابزارهایش برای تحت فشار قرار دادن ایران استفاده کرد.

حادثه دوم، یعنی حملات تروریستی یازده سپتامبر، خشم نومحافظه‌کاران آمریکایی را که اغلب شناخت عمیق و دقیقی از اوضاع و پیچیدگی‌های منطقه نداشتند، موجب شد و حملات آمریکا به افغانستان و عراق، اگرچه در آغاز با پیروزی‌های برق‌آسا همراه بود، به شکل طنزآمیزی به نفع ایران تمام شد. هر دو رقیب و دشمنان اعلامی جمهوری اسلامی (حزب بعث و صدام و طالبان ضدشیعه) از میان رفتند یا به شدت تضعیف شدند. از سوی دیگر، در این کشورها، حکومت‌هایی به قدرت رسیدند که به نوعی روابط بسیار خوبی با ایران داشتند، ضمن آنکه آمریکا هم در این دو جنگ، هم از حیث مالی و هم از جهت پرستیژ بین‌المللی، به شدت آسیب دید و خروجش از این کشورها نیز در حال حاضر با دشواری بسیاری همراه است.

روابط با همسایگان در سال گذشته

روابط ایران با عموم همسایگان در یک سال گذشته، جدای از حوادث مقطعی، روند رو به بهبود و آرامی را طی کرده است. در کنار پرونده هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی که با حمایت آمریکا و یا به صورت یکجانبه از طرف آمریکا اعمال شده‌اند، که اشتغال و دلمشغولی مهم دستگاه سیاست خارجی و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران بوده است، ایران همواره بر ضرورت خروج آمریکایی‌ها از منطقه و اداره منطقه توسط کشورهای آن تأکید کرده است. این خواسته، البته منطقی است، اما با توجه به نگرانی کشورهای عربی از قدرت رو به رشد ایران در منطقه و یا سوءظن برخی کشورهای ضعیف‌تر نسبت به نیت ایران، در مقطع کنونی، نمی‌توان انتظار داشت این کشورها از چنین پیشنهادهایی استقبال کنند. با این اوصاف، خطوط کلی سیاست ایران در قبال همسایگانش را می‌توان بدین شکل خلاصه کرد: دورساختن همسایگان از روابط با آمریکا و اسرائیل؛ تشکیل سازمان‌ها و اتحادهای منطقه‌ای برای حفظ امنیت منطقه بدون دخالت آمریکا و کشورهای غربی، رفع نگرانی کشورهای منطقه نسبت به برنامه‌های هسته‌ای و قدرت‌گیری ایران در منطقه و تبیین این امر که قدرت گرفتن ایران به نفع عموم کشورها و بخصوص جهان اسلام خواهد بود. ایران، در عین حال، از قدرت‌گیری نیروهای اسلامی و ضد آمریکایی در این کشورها حمایت کرده است. در اینجا، جای تأکید بر گسترش روابط اقتصادی خالی به نظر می‌رسد (اگرچه در صحبت‌ها و مذاکرات بحث‌های زیادی از امور اقتصادی به میان می‌آید)، اما با توجه به ضعف مبنای اقتصادی روابط، چنین امری قابل درک است (اقتصاد اغلب این کشورها به جای آنکه مکمل هم باشد، رقیب همدیگر است و تولیدات و محصولات این کشورها مشابه است). با این اوصاف، به بررسی روابط با تک تک این کشورها در سال گذشته می‌پردازیم.

افغانستان: دولت افغانستان را شاید بتوان دولتی ماقبل مدرن دانست، زیرا حاکمیت خویش را بر سراسر خاک این کشور نگسترانده و بخش‌های مهمی از جنوب و جنوب شرق کشور در کنترل و تحت نفوذ طالبان قرار دارد. حضور آمریکا در این کشور و همراهی اعضای ناتو و حدود سی کشور، نتوانسته است صلح و ثبات را در این کشور به ارمغان آورد. ایران در وضع کنونی، هم از حضور آمریکا و ناتو در افغانستان ناراضی است و ضرورت خروج آمریکا را از آن کشور مطرح می‌کند و هم از قدرت‌گیری طالبان ناخشنود است، زیرا ضدیت آنان با جمهوری اسلامی آشکار است. به رغم همه این موارد، جمهوری اسلامی ایران به دنبال خروج نیروهای آمریکا و ناتو از افغانستان است و از دولت قانونی این کشور به شکل‌های گوناگون حمایت می‌کند.

بنابراین، اتهامات مربوط به کمک ایران به گروه طالبان، که امسال هم تکرار شد، در فقدان شواهد و مدارک قانع‌کننده، باید بی‌اساس تلقی شود. از طرف دیگر، برنامه‌ریزی‌هایی که برای خروج نیروهای ناتو از افغانستان صورت می‌گیرد، با توجه به ضعف و ناکارآمدی و مشروعیت

روابط ایران با عموم
همسایگان در یک سال
گذشته، جدای از حوادث
مقطعی، روند رو به بهبود
و آرامی را طی کرده است

اندک حامد کرزای (که با انتخاباتی بحث‌انگیز مجدداً رئیس جمهور شد)، راه آشوب و جنگ داخلی جدیدی را هموار می‌کند که نتایج آن برای ایران، همانند سی سال گذشته، آزاردهنده خواهد بود. مسأله بازگشت پناهندگان افغانی به کشورشان در سال ۱۳۸۹، با فراز و نشیب‌های متعددی دنبال شد و اصرار ایران برای بازگرداندن آوارگان و بازگشت مخفیانه بعضی از آنها به ایران، موجب بروز اعتراضاتی علیه ایران در افغانستان شد. مسأله حمل مواد سوختی از ایران به خاک افغانستان هم که ایران، در اواخر سال، در مقابله با اقدامات تحریمی آمریکا، روند آن را کند کرد، موجب نارضایتی و تجمعات و حمله به سفارت و کنسولگری ایران در کابل و هرات شد. به نظر می‌رسد چنین رویه‌ای برای ایران و افغانستان مثبت نباشد. با آنکه افغانستان کشوری با بنیه اقتصادی بسیار ضعیف است و روابط اقتصادی بین دو کشور هم عمدتاً به صورت صادرات یک طرفه ایران به افغانستان و یا کمک‌های بلاعوض ایران است، اما این مشکل می‌تواند اعتماد افغانستان را نسبت به ایران تضعیف کند و موجب تقویت روابط افغانستان با کشورهای دیگر و جستجوی راه‌ها و کشورهای جایگزین برای ایران شود. معضل مواد مخدر هم، موضوع مهمی است که زیان‌های آن برای کشور و مردم ضرورتی برای بحث ندارد و با توجه به ضعف دولت مرکزی و فقر و نبود منابع درآمدی، ریشه‌کنی کشت خشخاش، حداقل در آینده نزدیک، قابل تصور نیست. بنابراین، دولت ایران باید رأساً برای ممانعت از ورود قاچاقچیان به داخل مرزها، تدابیر جدیدتر و کارآمدتری بیاندیشد.

پاکستان کشوری است که به‌رغم داشتن بمب اتمی، آسیب‌پذیر و با اختلافات عظیم داخلی روبروست

پاکستان: به استثنای ناامنی مرزی و قاچاق و تردد مخالفان مسلح جمهوری اسلامی در دو سوی مرز، اختلاف قابل ملاحظه‌ای در سی سال گذشته بین پاکستان و ایران وجود نداشته است. در سال ۱۳۸۹، بمب‌گذاری و اقدامات تروریستی گروه موسوم به جندال.. (از جمله در تاسوعا/ ۲۴ آذرماه) به انحای مختلف تداوم یافت و به‌رغم اعدام تعدادی از سران آن گروه، وضع جغرافیایی منطقه و همسایگی با بلوچستان پاکستان (که در واقع دولت پاکستان، تسلط زیادی بر آن ناحیه ندارد)، موجب ادامه حیات آن گروه شد. رفت و آمد در دو سوی مرز، باعث اعتراض‌های متعدد جمهوری اسلامی در سطوح بالا و حتی تهدید ضمنی پاکستان شد. در این خصوص، باید توجه داشت که به جز تسلط اندک دولت پاکستان بر نواحی مرزی بلوچستان این کشور، حدس زده می‌شود اطلاعات ارتش پاکستان (ISI) که حامی و پرورنده گروه‌های تندروی بسیاری در داخل پاکستان، افغانستان و هندوستان است، از برخی کمک‌ها به آن گروه دریغ نمی‌کند. گفته می‌شود که ISI چندان هم از دولت پاکستان فرمان نمی‌برد و نیمه‌مستقل عمل می‌کند. به هر حال، باید توجه داشت که پاکستان کشوری است که به‌رغم داشتن بمب اتمی، آسیب‌پذیر و با اختلافات عظیم داخلی است و نامش به قدری با اقدامات افراطی و تروریستی گره خورده است که سیل مهیب این کشور در سال ۱۳۸۹، همدلی و توجه جهانی اندکی را موجب شد. در این وضعیت، ضعف دولت یا سقوط آن می‌تواند، جنگ داخلی خونین (شیعه و سنی) و عظیمی را موجب شود که به زیان همسایگان هم خواهد بود.

ترکمنستان: آرام‌ترین و کم‌ضررترین کشور همسایه ایران است که با جمعیت اندک، وسعت سرزمین و منابع عظیم نفت و گاز و جامعه مدنی ضعیف، از دغدغه‌ها و انقلابات کشورهای مشابه دور بوده است. سفرهای متقابل مقامات ایران و ترکمنستان در سال ۱۳۸۹، منجر به معاهده‌ای برای واردات گاز از ترکمنستان شد که برای ایجاد ذخیره و کسب اطمینان از دسترسی به منابع ضروری انرژی، مفید است. ترکمنستان در مسأله رژیم حقوقی دریای خزر، موضع ابتکاری و فعالانه نداشته و از این حیث هم تنش با ایران ندارد.

جمهوری آذربایجان: جمهوری آذربایجان از حیث نسبت جمعیتی، دومین کشور شیعه جهان است. مهم‌ترین دغدغه این کشور مسأله قره‌باغ و بیست درصد از خاک این کشور است که در اشغال دولت ارمنستان و شورشیان ارمنی قره‌باغ کوهستانی است. به نظر می‌رسد استراتژی الهام‌علی‌اف (همچون پدرش حیدر علی‌اف)، استفاده از منابع این کشور (نفت و گاز) برای ارتقای وضع اقتصادی (کشوری که طی چند سال متوالی، رشدی دو رقمی را تجربه کرده است) و پیوند زدن این کشور با مراکز مهم اقتصادی جهان و به ویژه غرب است تا از این راه، هم جاذبه‌ای برای ارامنه قره‌باغ برای ماندن در ترکیب جمهوری آذربایجان ایجاد کند و هم مانع از آن شود که کشورهای بزرگ همسایه (روسیه و ایران) آن را تحت فشار قرار دهند و همچنین، راه را برای حل و فصل مسأله بحران قره‌باغ هموار کنند. ظاهراً در این راه، موفقیت‌هایی را هم کسب کرده است. انتقاد جمهوری آذربایجان از ایران عمدتاً حول حمایت ایران، از ارمنستان یا روابط گرم با این کشور دور می‌زند، اما ایران معتقد است باید روابطی متوازن با هر دو کشور برقرار شود. ایران نیز از فقدان آزادی‌های مذهبی و یا تلاش دولت علی‌اف برای سکولاریزاسیون اجباری (نظیر منع حجاب در مدارس) ناخشنود است و همچنین، از حضور یا فعالیت گروه‌های پان‌ترکیست، ابراز نارضایتی می‌کند. در عین حال، هر از چند گاهی، بحث‌هایی نیز در مطبوعات دو کشور در خصوص حوادث تاریخی و قلمرو تاریخی دو کشور به میان می‌آید که به نظر می‌رسد، ناشی از تلاطم‌های هویتی در جمهوری آذربایجان و دشواری‌های دوران پس از استقلال باشد و به مرور، جای خود را به واقع‌بینی خواهد داد. ایران، همچنین از روابط گرم باکو با آمریکا و برقراری ارتباط با اسرائیل به شدت نارضی است و این امر از موضوعات اختلاف‌انگیز دو کشور است.

ارمنستان: کشوری کوچک و محصور در میان همسایگانی است که جز ایران، هیچ‌کدام رابطه نزدیکی با آن ندارند. درگیری بر سر قره‌باغ موجب قطع روابط و بستن مرز ترکیه با ارمنستان شده و ایران در واقع، تنها راه زمینی ارتباط ارمنستان با جهان خارج است. روابط دو کشور که از حدود یک دهه قبل رو به گرمی نهاده است، همچنان رو به گسترش است؛ سفر نخست‌وزیر ارمنستان (سوم و چهارم آبان) به ایران و سفر وزیر نیروی ایران به ارمنستان، که منجر به افتتاح چند پروژه مهم انرژی و هیدروالکتریک روی سد ارس شد، نشانه‌هایی از این گسترش روابط است. ایران می‌کوشد از رابطه با ارمنستان برای متوازن کردن روابط با جمهوری

ایران می‌کوشد از
رابطه با ارمنستان برای
متوازن کردن روابطش
با جمهوری آذربایجان و
کنترل برخی رفتارهای
آن استفاده کند

آذربایجان و کنترل برخی رفتارهای آن استفاده کند. تلاش ارمنستان برای نزدیکی به آمریکا، موجب نارضایتی دو متفق مهم ارمنستان یعنی ایران و روسیه می‌شود. برنامه الحاق کشورهای قفقاز به ناتو را، هر دو کشور با نگرانی و نارضایتی تعقیب می‌کنند.

ترکیه: روابط ایران و ترکیه، بی‌شک در حال حاضر، در درخشان‌ترین دوران خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. حمایت مداوم دولت اسلام‌گرای ترکیه از برنامه‌های هسته‌ای و بسیاری از مواضع ایران، رأی منفی این کشور به قطعنامه ۱۹۲۹، حضور در کنفرانس هسته‌ای تهران، تنزل روابط ترکیه با اسرائیل و گسترش تجارت بین دو کشور (تا حجمی نزدیک به ده میلیارد دلار، که بالاترین رقم مبادلات ایران با همسایگان است)، نزدیکی فکری و عملی دو کشور در مسأله عراق و شورشیان کرد و سفر عبدالله گل به همراه ۱۳۵ مقام دولتی و ۱۰۰ تاجر به تهران در ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۸۹، از دلایل و نشانه‌های این بهبود روابط است. ترکیه به صراحت از اعمال تحریم‌ها علیه ایران انتقاد کرده و این کشور (به همراه برزیل)، گام مهمی برای حل و فصل اختلافات هسته‌ای (در معاهده تهران) برداشت، گامی که ناخشنودی غرب را هم به دنبال داشت و ادعاهایی را موجب شد مبنی بر اینکه ترکیه محور غرب را رها کرده و شرق را برگزیده است. در واقع، ترکیه، به ویژه با اتکا به آراء وزیر خارجه‌اش احمد داوود اوغلو، از عمق استراتژیک و امکانات مغفول خود استفاده می‌کند و لزومی نمی‌بیند که به صورت «تک‌چشمی» فقط ناظر به غرب باشد. میزبانی اجلاس ۵+۱ در استانبول نیز حاکی از ارتقای پرستیژ این کشور در منطقه و اعتماد ایران به این کشور است، اهمیتی که از سفر آقای صالحی سرپرست وزارت خارجه در اولین سفر خارجی‌اش به این کشور و تأکید وی بر توجه به ترکیه و عربستان و اعتمادسازی در سیاست خارجی ایران هم، آشکار می‌شود. سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکیه در ایران و سرمایه‌گذاری ایران در ترکیه نیز افزایش قابل توجهی داشته است. همکاری نزدیک دو کشور در خصوص عراق به‌رغم برخی اختلافات، و مقابله مشترکشان با شورشیان پ. ک. ک و پژاک نیز در سال گذشته تداوم یافت.

روابط ایران و ترکیه، بی‌شک در حال حاضر، در درخشان‌ترین دوران خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی است

عراق: با آنکه برنامه‌ریزی‌های خروج نیروهای خارجی از عراق، اعلام شده است، اما ابهامات در این کشور بی‌شمار است. دولت پس از مدت طولانی از زمان انتخابات، به سختی توانست تشکیل شود و با ضعف‌های متعدد، به دشواری بتواند امنیت را در این کشور برقرار کند. عراق از چند جهت برای ایران حائز اهمیت است: اولاً، کشوری شیعه و دارای اماکن مقدسه شیعیان است و هر روز کثیری از زائران ایرانی راهی عتبات می‌شوند (و از این‌رو، امنیت‌شان اهمیت می‌یابد)، ثانیاً هنوز مسایل جنگ و غرامت‌های قابل پرداخت مورد مذاکره قرار نگرفته و حل و فصل نشده است. ثالثاً، گروه‌هایی از اپوزیسیون (از جمله منافقین در کمپ اشرف) و گروه‌های کرد معارض در این کشور مستقرند که ایران خواستار اخراج و تحویل آنهاست. رابعاً، بی‌ثباتی در عراق و یا تجزیه آن، تبعات زیانباری برای امنیت ایران خواهد داشت. در این زمینه‌ها، در سال ۱۳۸۹ تحول مثبت اندکی رخ داد. ایران همچنین بر خروج هرچه سریع‌تر آمریکاییان از

عراق تأکید دارد؛ اما در فقدان قدرت مرکزی قوی و قوت‌گیری نیروهای سلفی ضد شیعی در این کشور، این خروج سریع ممکن است چندان مفید هم نباشد. در انتخابات سراسری عراق هم، با آنکه گروه‌های نزدیک به ایران، رأی زیادی کسب کردند، اما گروه تحت هدایت ایاد علاوی هم که گرایش‌های مخالف ایران دارد، رأی قابل توجهی کسب کرد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس: در خصوص کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، باید گفت که روندهای سابق همچون خرید تسلیحات و امضای قراردادهای مختلف نظامی / دفاعی با آمریکا، تداوم یافته است. انتشار اسناد محرمانه آمریکا در سایت اینترنتی ویکی لیکس نشان داد سران عرب، به‌رغم اظهارات علنی‌شان، در خفا بسیار از برنامه‌های هسته‌ای ایران ناراضی و ناخشنودند. واقعیت آن است که این اسناد، خام و اغلب کم‌ارزش بودند و رجوع به تک‌تک آنها هم می‌تواند گمراه‌کننده باشد. البته، این قبیل پنهان‌کاری‌ها (اظهارات سران عرب) در دیپلماسی امری غیرمعمول نیست و برخلاف انتظار، موضع ایران را هم تضعیف نمی‌کند و مواضع اعراب را ضعیف‌تر می‌سازد. پیوستن امارات متحده عربی به تحریم‌های اعمالی و یکجانبه آمریکا، نیز ضمن آنکه تحت تأثیر فشارهای آمریکا و دیپلماسی رفت و آمد (shuttle diplomacy) آمریکا در منطقه است، حاکی از بدبینی این کشورها نسبت به ایران هم می‌تواند تلقی شود. هرچند در سال ۱۳۸۹ از شدت تنش در مناسبات ایران با امارات بر سر جزایر سه‌گانه کاسته شد، اما همکاری این کشور با آمریکا برای اعمال تحریم‌های بین‌المللی و دوجانبه علیه ایران موجب سردی روابط اقتصادی و مالی دو کشور شده است.

به طور کلی، اعتمادسازی با کشورهای عربی و به صورت خاص با حاشیه جنوبی خلیج فارس باید از خطوط کلی و اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. بروز بحران‌های سیاسی در کشورهای عربی آنها را آسیب‌پذیر کرده است و به تقویت موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر آنها انجامیده است. اگر این تحرکات به عربستان کشیده شود و یا در خانواده سلطنتی سعودی تحولاتی (مثل مرگ ملک عبدالله) به وجود آید، قیمت نفت به شدت افزایش خواهد یافت و جمهوری اسلامی ایران با فرصت‌های جدیدی روبرو خواهد شد که استفاده درست از آنها می‌تواند به بازسازی اعتماد میان ایران و کشورهای عرب بیانجامد.

چشم‌انداز ۱۳۹۰

در روندهای کلی سیاسی موجود منطقه، تغییرات مهمی در سال آینده محتمل به نظر نمی‌رسد. در افغانستان- امکان پیروزی قاطع بر طالبان بسیار بعید است و راه حل جذب طالبان در حکومت آینده، چندان خوشایند ایران هم نخواهد بود. دولت فعلی به واسطه فساد گسترده‌اش، نتوانسته است باعث تحول اقتصادی مهمی در کشور شود و انتظار نمی‌رود در چند سال آینده (و حتی در میان‌مدت)، افغانستان از حالت حاشیه خارج شود و در چرخه اقتصاد بین‌المللی قرار گیرد. در کنار این روندها، تولید و قاچاق مواد مخدر تداوم خواهد یافت و ریشه‌کنی آن هم محتمل

انتشار اسناد محرمانه
آمریکا در سایت اینترنتی
ویکی لیکس نشان داد
سران عرب، به‌رغم
اظهارات علنی‌شان، در
خفا بسیار از برنامه‌های
هسته‌ای ایران ناراضی و
ناخشنودند

به نظر نمی‌رسد. مشکل بازگشت آوارگان هم ادامه خواهد داشت. طبعاً ایران نمی‌تواند تمامی افغان‌های مهاجر را، به دلیل بار مالی و تبعات آسیب‌زای آن، بپذیرد. از سوی دیگر، تحت فشار گذاشتن دولت ضعیف افغانستان می‌تواند باعث ورشکستگی و ناتوانی آن شود، امری که حامد کرزای با وقوف و اشاره به آن می‌کوشد از غریبان و طرف‌های دخیل در افغانستان، برای بقا و تقویت حکومتش کمک دریافت کند.

در پاکستان، درگیری‌های فرقه‌ای، تداوم خواهد یافت و تبعات آن در بلوچستان یا نواحی دیگر، دامن ایران را هم خواهد گرفت. این درگیری‌ها، ریشه‌های عمیقی در جامعه و اقتصاد و فرهنگ پاکستان دارند و متأسفانه از آن کشور، باز هم فقط اخبار خونریزی، ترور، حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا و غرب و فجایع طبیعی را شاهد خواهیم بود. با توجه به روندهای موجود، ناامنی در مرزهای بلوچستان هم تداوم خواهد یافت و نسبت به حل آن از طرف پاکستان نمی‌توان امیدوار بود. ضمن آنکه، خطر شکست دولت پاکستان و بروز جنگ داخلی در آن کشور هم وجود دارد.

در خصوص ترکمنستان، روابط آرام و رو به رشد، بدون تغییر قابل ملاحظه‌ای تداوم خواهد یافت و چالش بر سر تقسیم دریای خزر، به ویژه بین ایران و جمهوری آذربایجان، تداوم خواهد داشت، به خصوص که در ایران، عده‌ای مطالبه سهم ۵۰ درصدی از خزر را مطرح می‌کنند. در این زمینه، جمهوری آذربایجان می‌کوشد، دست به اقدام یک جانبه نزند و پیش‌تر نظر قزاقستان و روسیه را هم جلب کرده باشد.

جمهوری آذربایجان، به‌رغم رشد شتابان و خیره‌کننده، از مشکلات کشورهای نفت‌خیز بی‌بهره نیست و البته، رقم فساد هم در آن کشور بالاست

جمهوری آذربایجان، به‌رغم رشد شتابان و خیره‌کننده، از مشکلات کشورهای نفت‌خیز بی‌بهره نیست و البته، رقم فساد هم در آن کشور بالاست. با این حال، با استقرار نهادهای دمکراتیک و بهبود سطح رفاهی، تلاطم‌های هویتی هم در آن کشور آرام‌تر خواهد شد البته، در سال‌های آینده، اختلافات بر سر مباحث و موضوعات تاریخی و قومی بین ایران و آذربایجان (به ویژه در سطح رسانه‌ها و مطبوعات) تداوم خواهد یافت و در این زمینه، ایران با وقوف به ماهیت گذرا و موقت این قبیل مباحث، نباید در عکس‌العمل، متانت و بردباری را از کف ببرد. احتمال پیوستن کشورهای منطقه قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) به ناتو، با مشکلات مهمی (چون مخالفت روسیه) مواجه است. با این حال، به نظر می‌رسد در صورت وقوع این امر، آذربایجان سریع‌تر به ناتو ملحق خواهد شد و این برای ایران خوشایند نخواهد بود. سرانجام جمهوری آذربایجان روند نزدیکی با غرب و آمریکا را در سال‌های آینده هم تداوم خواهند داد. برای بحران قره‌باغ نیز در آینده نزدیک، راه حل مسالمت‌آمیزی قابل تصور نیست و البته هیچ یک از طرفین هم مایل به آغاز جنگ نیستند؛ زیرا آذربایجان ارتش خود را مجهز و مدرنیزه کرده و ارمنستان هم به پیمان‌های دفاعی‌اش با روسیه پشتگرم است. از طرف دیگر، فاکتور آرامش پراکنده در اقطار عالم (دیاسپورا) نیز عنصر مهمی در حفظ و بقای «جمهوری قره‌باغ» به حساب می‌آید که خود تحت کنترل جمهوری ارمنستان نیست. در آینده قابل

پیش‌بینی، ایران خواهد کوشید تعادلی را در روابط با دو کشور ارمنستان و آذربایجان برقرار کند و در آن کشورها، تا حدودی هم به سرمایه‌گذاری مشترک خواهد پرداخت. در ترکیه، انتخابات سال ۲۰۱۱ ممکن است تحولاتی را موجب شود. اگرچه، گمان نمی‌رود حزب عدالت و توسعه (حزب حاکم) شکستی قاطع را متحمل شود، اما احتمال کاهش آراء آن وجود دارد. در عین حال، حتی در صورت تغییر حکومت هم، تحول اساسی در مناسبات این کشور با ایران رخ نخواهد داد و روند تحولات این کشور برگشت‌پذیر به نظر نمی‌رسد. رشد اقتصادی و شکوفایی ترکیه در آینده نزدیک ادامه خواهد یافت و این کشور به یکی از مراکز جاذب سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های فرهنگی در منطقه مبدل خواهد شد. در عین حال، ترکیه خواهد کوشید نقش واسطه خود را بین اروپا و جهان اسلام، همچنان حفظ کند. در مسأله کردها نیز سیاست دولت ترکیه با فراز و نشیب‌هایی، رو به سمت دمکراتیزاسیون و (احتمالاً) اعطای برخی اختیارات محلی است، اما اینکه چنین امتیازاتی جریان رادیکال کرد ترکیه را (که اکثریت نیستند، اما اقلیت پرنفوذی محسوب می‌شوند) قانع خواهد کرد یا نه؟، تا حدی محل تردید است.

در عراق، پیچیدگی شرایط تداوم خواهد یافت. خروج آمریکا، ابهامات را افزایش خواهد داد و دولت را متزلزل‌تر خواهد ساخت. البته، خروج نیروهای خارجی مطلوب ایران بوده و به معنای افزایش نفوذ ایران خواهد بود، اما احتمال مداخله عربستان و نیروهای رادیکال و ناسیونالیست عرب را هم باید، در صورت خروج نیروهای خارجی، مد نظر قرار داد که این کشور را به جنگ داخلی و تجزیه در سال‌های بعد سوق خواهد داد. امری که نتایج مثبت و منفی برای ایران دارد. مثبت از آن حیث که چند کشور کوچک و دوست ایران ایجاد می‌شود و منفی از حیث تأثیراتی که در میان گروه‌های قومی ایران و یا بی‌ثباتی در کل منطقه خواهد داشت. دمکراسی نوپای عراق، با کندی و تزلزل پیش خواهد رفت و پیش‌بینی آینده‌چندان آسان نیست، اما به نظر نمی‌رسد این حالت متزلزل تداوم طولانی مدتی داشته باشد. تقویت اقلیم کردستان در شمال عراق که احتمال اعلام استقلال آن را نباید از نظر دور داشت، با داشتن اجازه عقد قراردادهای نفتی ادامه خواهد یافت و این ناحیه، برای سرمایه‌گذاری همسایگان و از جمله ایران محل جاذبی خواهد بود. ثبات حکومت و توفیق حکومتی با اکثریت شیعه در عراق، البته مطلوب ایران خواهد بود، اما می‌تواند برای جریان‌های سلفی منطقه ناخوشایند باشد. کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، در چند سال آتی خواهند کوشید با حفظ روابط خوب با ایران و حفظ بنیه دفاعی‌شان و عقد پیمان‌های متعدد با آمریکا، امنیت خویش را تضمین کنند. خرید تسلیحات در این کشورها تداوم خواهد یافت و احتمال تأثیر تحولات دمکراتیک در برخی از این کشورها، اندک است. حرکت به سمت فضای باز سیاسی و مشارکت و فعالیت‌های حزبی و سیاسی در این کشورها، هرچند کند اما ناگزیر آغاز خواهد شد و ممکن است در برخی از این کشورها از جمله بحرین، شرایط به سوی وقوع رویدادهایی شبیه تونس و مصر پیش رود.

در ترکیه، انتخابات سال ۲۰۱۱ ممکن است تحولاتی را موجب شود. اگرچه، گمان نمی‌رود حزب عدالت و توسعه (حزب حاکم) شکستی قاطع را متحمل شود، اما احتمال کاهش آراء آن وجود دارد